

بررسی رفتار استنادی اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید چمران

میترا پشوتنی زاده^۱

دکتر مرتضی کوکبی^۲

چکیده

اخلاق علمی در پژوهش، همواره استناد به نوشته‌های مورد استفاده در تألیف و تحقیق را ضروری ساخته است. استناد به مآخذ مورد استفاده، ابزاری برای رعایت حقوق معنوی افراد است و این رعایت حقوق، به شکل پانویس و یا فهرست مآخذ انجام می‌شود. وجود بیش از ۳۰ روش مختلف برای استنادها و فهرست مآخذ نیز گویای اهمیتی است که تاکنون به «روش» استناد داده شده است. اما یک پرسش همواره برای نویسندگان مقاله‌ها و گزارشهای پژوهشی، بویژه دانشجویان و نویسندگان تازه کار، مطرح بوده و آن این است که اصولاً «چه موقع» باید به آثار دیگران استناد کرد. بررسی نویسندگان این نوشته نشان می‌دهد تاکنون هیچ‌گونه تحقیقی درباره زمان مناسب برای استناد و دلایل آن، چه در ایران و چه در خارج از ایران، انجام نشده است. بنابراین، در این پژوهش تلاش شده دلایلی که از نظر اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید چمران برای استناد در پژوهشها و تألیفات، مهم هستند، شناسایی شوند. پژوهشگران امیدوارند یافته‌های این پژوهش بتواند برای تمامی پژوهشگران و مؤلفان در مورد زمان استناد در نوشته‌ها و تألیفاتشان، مفید واقع شود.

کلیدواژه‌ها: استناد اعضای هیئت علمی، دانشگاه شهید چمران، زمان استناد.

.....

۱. کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی و دانشجوی دکتری کتابداری دانشگاه شهید چمران

Pashootanizade@gmail.com

۲. استاد گروه کتابداری دانشگاه شهید چمران Kokabi80@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

اخلاق علمی در پژوهش، همواره استناد به نوشته‌های مورد استفاده در تألیف و تحقیق را ضروری ساخته است. «سلطانی و راستین» (۱۳۷۹: ۱۴) استناد را این گونه تعریف می‌کنند:

«یادداشت ارجاعی به اثری که از آن عبارتی نقل شده است یا ارجاعی به یک اثر یا یک منبع موثق به منظور اثبات صحّت یک مطلب یا یک نظر».

استناد به مآخذ مورد استفاده، ابزاری برای رعایت حقوق معنوی افراد است و این رعایت حقوق، به شکل پانویس و یا فهرست مآخذ انجام می‌شود. «مهرداد» (۱۳۸۶) معتقد است استناد و بررسی پیشینه‌ها نشان‌دهنده کیفیت پژوهش، عدم سرقت ادبی و بررسی متون به میزان لازم است. «گارفیلد»^۱ (۱۳۷۶) نیز در مقاله خود چنین می‌نویسد: «نقل قول از نویسندگان دیگر و استناد دادن، امروزه نه تنها کاری حقیر نیست، بلکه بسیار عالمانه است». وجود بیش از ۳۰ روش مختلف برای استنادها و فهرست مآخذ نیز گویای اهمیتی است که تاکنون به «روش» استناد داده شده است. اما یک پرسش همواره برای نویسندگان مقاله‌ها و گزارشهای پژوهشی، بویژه دانشجویان و نویسندگان تازه کار مطرح بوده و آن این است که اصولاً «چه موقع» باید به آثار دیگران استناد کرد. بررسی نویسندگان این نوشته نشان می‌دهد تاکنون هیچ گونه تحقیقی درباره زمان مناسب برای استناد و دلایل آن، چه در ایران و چه در خارج از ایران، انجام نشده است. بنابراین، در این پژوهش تلاش شده دلایلی که از نظر اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید چمران برای استناد در پژوهشها و تألیفات، مهم هستند، شناسایی شوند. پژوهشگران امیدوارند یافته‌های این پژوهش بتواند برای تمامی پژوهشگران و مؤلفان در مورد زمان استناد در نوشته‌ها و تألیفاتشان مفید واقع شود.

.....
1. Garfield.

ضرورت پژوهش

«گارفیلد» (۱۳۷۶) می‌گوید: «هر چند در دستنامه انجمن زبانهای مدرن و دستنامه‌های دیگر سبکها توضیحات دقیق بسیاری در مورد «چگونگی» استناد کردن وجود دارد، اما دستورالعمل روشنی برای این که «چه موقع» به متنی استناد کنیم، دیده نمی‌شود. بیشتر نشریه‌ها دستورالعملهای لازم را برای مؤلفان تهیه کرده‌اند، اما در مورد زمان استناد کردن توضیحی نداده‌اند و هیچ دستورالعمل قاطعی در این مورد وجود ندارد». او ۱۵ دلیل را برای استناد کردن ذکر کرده است و پیشنهاد می‌کند دانشمندان و مؤلفان نوشته‌های خود را بررسی کنند و ببینند که آیا این ۱۵ دلیل را در نوشته‌های خود در نظر داشته‌اند.

با توجه به مطالب گفته شده، در این پژوهش تلاش شده با نظرخواهی از اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید چمران، در مورد ۱۵ دلیل استناد گارفیلد، مهمترین دلایل استناد مشخص گردد تا بدین وسیله به اعضای هیئت علمی و دانشجویان سایر دانشگاه‌ها و پژوهشگران در مورد زمان استناد در تألیفاتشان کمک شود و تازه کاران بیاموزند چه زمانی باید در نوشته‌های خود از استناد استفاده کنند. به علاوه، نتایج این پژوهش می‌تواند به همه پژوهشگران کمک کند تا گزارشهای پژوهشی خود را از نقطه نظر زمان استناد، هماهنگ‌تر سازند و به استادانی که می‌خواهند در تدریس درسهایی مانند رساله، روش تحقیق، گزارش نویسی و ...، زمان مناسب استناد را به دانشجویان بیاموزند، یاری رسانند. به طور کلی، می‌توان گفت نتایج این پژوهش می‌تواند برای دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی و همه نهادهایی که با پژوهش و گزارش آن ارتباط دارند، مفید باشد.

هدف پژوهش

تعیین دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید چمران در مورد زمان استناد در تألیفات، گزارشهای پژوهشی و تدریس درسهای روش پژوهش به دانشجویان.

پرسشهای پژوهش

۱. آیا بین مجموع نظرات اعضای هیئت علمی دانشکده‌های مختلف در مورد دلایل استناد، تفاوت معناداری وجود دارد؟
۲. آیا بین مجموع نظرات اعضای هیئت علمی زن و مرد در مورد دلایل استناد، تفاوت معناداری وجود دارد؟
۳. آیا بین مجموع نظرات اعضای هیئت علمی با مدارک تحصیلی مختلف در مورد دلایل استناد، تفاوت معناداری وجود دارد؟
۴. آیا بین مجموع نظرات اعضای هیئت علمی در مرتبه‌های علمی مختلف، در مورد دلایل استناد، تفاوت معناداری وجود دارد؟
۵. آیا بین مجموع نظرات اعضای هیئت علمی با سوابق آموزشی متفاوت، در مورد دلایل استناد تفاوت معناداری وجود دارد؟
۶. آیا بین دیدگاه‌های اعضای هیئت علمی زن و مرد در مورد هر یک از ماده‌های سیاهه و ارسی تفاوت معناداری وجود دارد؟
۷. آیا بین دیدگاه‌های اعضای هیئت علمی دانشکده‌های مختلف در مورد هر یک از ماده‌های سیاهه و ارسی تفاوتی معنادار وجود دارد؟
۸. آیا بین دیدگاه‌های اعضای هیئت علمی در مرتبه‌های علمی مختلف در مورد هر یک از ماده‌های سیاهه و ارسی تفاوت معناداری وجود دارد؟
۹. آیا تفاوت معناداری بین دیدگاه‌های اعضای هیئت علمی با سوابق آموزشی مختلف، در مورد هر یک از ماده‌های سیاهه و ارسی وجود دارد؟
۱۰. آیا تفاوت معناداری بین دیدگاه‌های اعضای هیئت علمی با مدارک تحصیلی مختلف در مورد هر یک از ماده‌های سیاهه و ارسی وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

نتایج بررسی پژوهشگران در رابطه با موضوع پژوهش برای پیشینه‌های خارج و داخل کشور، به ترتیب به شرح زیر است:

- پیشینه خارج از کشور

«گارفیلد» (۱۹۹۶) در مقاله خود با عنوان «چگونه استناد کنیم؟» معتقد است سنت علمی ایجاب می‌کند هرگاه دانشمند یا پژوهشگر مشهوری مقاله‌ای منتشر می‌کند، باید خوانندگان خود را به مقاله‌های قبلی که به موضوع کار وی مربوط می‌شوند، ارجاع دهد. تصور بر این است که این ارجاعات نشان‌دهنده آن دسته از محققانی است که مفاهیم، روشها، یا وسایلی که به کار برده‌اند، الهام‌بخش نویسنده اخیر در پدید آوردن مقاله‌اش بوده‌اند. چنین ارجاعهایی رویدادهای پیشین یک فعالیت را نشان می‌دهند و اطلاعات کتابشناختی لازم را در اختیار خواننده‌ای که مایل است درباره جنبه خاصی از موضوع اطلاعات بیشتری به دست آورد، قرار می‌دهند. او در نهایت ۱۵ دلیل را برای زمان استناد مطرح و اشاره می‌کند که تاکنون تحقیقی در این زمینه انجام نشده است.

«شارنهرست و تلوال»^۱ (۲۰۰۵) در مقاله «شبکه‌های استنادی و فرایوندی» چند عامل مستقیم یا غیرمستقیم شناخته شده مؤثر بر استناد را معرفی می‌کنند که عبارتند از:

- تحقیقات روش‌شناختی و مقاله‌های مروری که معمولاً زیاد مورد استفاده قرار می‌گیرند.

- آثاری که مفهوم یا پنداری را برای اولین بار بیان می‌کنند.

- رد کردن ادعاهای دیگران

- نویسندگانی که متعلق به یک کشور هستند، به یک زبان می‌نویسند و یا در یک محل مشغول به کار هستند، معمولاً بیشتر به یکدیگر استناد می‌کنند.

آنها کمبود پژوهش در زمینه دلایل و انگیزه‌های استناد را باعث ایجاد بحثها و اختلاف نظرها بین صاحب نظران می‌دانند.

.....

1. Scharnhorst & Thelwall.

- پیشینه در ایران

«پریرخ و فتاحی» (۱۳۸۴) در کتاب «راهنمای نگارش مرور نوشتارها و پیشینه پژوهش» دلایل متفاوتی را (به نقل از نویسندگانی همچون همیلتون^۱؛ آری، جیکوبز و رضویه) برای نوشتن پیشینه و استفاده از دیگر متون توسط پژوهشگران بیان کرده‌اند. از جمله موارد مرتبط در این کتاب با پژوهش حاضر، عبارتند از:

- شناسایی دیدگاه‌ها، نکته‌ها و یافته‌های متضاد تحقیقات قبلی

- مشخص کردن چشم‌انداز پژوهش در دست انجام

- شناسایی روشهای پژوهشی که می‌تواند برای پژوهش در دست انجام مفید و

مرتبط باشد.

- استفاده از دیگر متون در تفسیر نتایج تحقیق

- بیان نظریه‌ها، فرضیه‌ها و مباحث عمده در زمینه موضوع مورد پژوهش.

«دیانی» (۱۳۸۲) در فصل ۴ از کتاب «گلوگاه‌های پژوهش در علوم اجتماعی» به

چند دلیل استفاده پژوهشگران از منابع متفاوت در قسمت پیشینه و یا دیگر قسمتهای

پژوهش اشاره می‌کند:

- آگاهی محقق از وضعیت فعلی دانش رشته مورد نظر

- آشنایی با مفاهیم و ابزار

- برقرار نمودن رابطه منطقی و تاریخی بین تحقیق محقق و گروه مشابهی از

تحقیقات قبلی

- وجود پیشینه به عنوان ضرورتی اجتماعی برای پذیرش تحقیق توسط جامعه علمی

- اطمینان از پرداختن به کاری جدید

- گرفتن ایده‌ای نو

- ایجاد پشتوانه مثبت یا منفی برای مفروضات، یافته‌ها و روشهای تحقیق.

ابزار گردآوری داده‌ها

به منظور نظرخواهی از اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید چمران در مورد دلایل استناد، از سیاهه واریسی استفاده شد. سیاهه واریسی در سه قسمت «مشخصات فردی پاسخگو»، «ماده‌ها» و «پرسش باز» تنظیم گردید. ماده‌های سیاهه واریسی عبارتند از ۱۵ دلیلی که گارفیلد (۱۹۹۶) در مقاله خود به آن به عنوان دلایل استناد اشاره کرده است. برای تعیین روایی صوری (مفهوم بودن ماده‌ها) و روایی محتوایی (مرتبط بودن ماده‌ها با هدف پژوهش) سیاهه واریسی، از ۵ نفر از استادان کتابداری با استفاده از یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (خیلی کم تا خیلی زیاد) نظرخواهی گردید. میانگین و انحراف استاندارد پاسخهای داده شده در مورد هر یک از ماده‌ها، در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱. شاخصهای توصیفی نظر استادان در مورد روایی صوری و محتوایی ماده‌های سیاهه واریسی

ردیف	ماده‌ها	مقدار	میانگین روایی صوری	انحراف استاندارد روایی صوری	میانگین روایی محتوایی	انحراف استاندارد روایی محتوایی
۱	ذکر نام و تکریم پیشکسوتان	۵	۳/۶	۱/۶	۳	۱/۸
۲	اعتباربخشی به اثر مربوط (تکریم همکاران)	۵	۳/۲	۱/۶	۳/۶	۱/۶
۳	معرفی روش شناسی، ابزار و ...	۵	۳/۵	۱/۷	۳/۳	۱/۵
۴	ارائه منابع اطلاعاتی بیشتر برای مطالعه	۵	۴	۱/۲	۳/۸	۱/۳
۵	تصحیح نوشته خودتان	۵	۳	۱/۸	۳	۱/۵
۶	بیان نوشته دیگران به منظور تصحیح آن	۵	۲/۶	۱/۵	۳	۰/۸
۷	نقد اثر قبلی	۵	۳/۴	۱/۸	۳/۴	۱/۵
۸	اثبات ادعاها	۵	۴	۰/۷	۴/۴	۰/۵
۹	هشدار به پژوهشگران، نسبت به اثری که در شرف انتشار است (که آنان نیز به هنگام استفاده از این اثر، استناد بدهند)	۵	۳/۴	۱/۶	۳	۱/۶
۱۰	شناساندن آثاری که به طور نامناسبی نمایه‌سازی و توزیع شده یا به آنها استناد نگشته است	۵	۳	۱/۸	۲/۵	۱/۹

ردیف	ماده‌ها	مقدار	میانگین روایی صوری	انحراف استاندارد روایی صوری	میانگین روایی محتوایی	انحراف استاندارد روایی محتوایی
۱۱	اعتباربخشی به داده‌ها و قسمتی از واقعیت - ثابتهای فیزیکی و ...	۵	۴	۱/۴	۴/۷۵	۰/۵
۱۲	شناساندن انتشاراتی که برای اولین بار ایده یا مفهومی در آنها مورد بحث قرار گرفته است	۵	۴/۲	۰/۸	۴/۶	۰/۵
۱۳	شناساندن اثری که برای اولین بار معرف مفهومی مبین نام عرضه‌کننده آن است (مانند بیماری هاجکینز، قانون پارتو، واکنش فریدل - کرافتس و ...)	۵	۳/۴	۱/۸	۳/۸	۱
۱۴	انکار اثر یا عقاید دیگران (ادعاهای انکاری)	۵	۳/۶	۱/۴	۳/۸	۱/۳
۱۵	بررسی دعاوی حق تقدم دیگران	۵	۳/۷۵	۱/۲	۳/۷۵	۰/۹۵

با توجه به میانگین و انحراف استاندارد مقادیر حاصل از اظهارنظر استادان، می‌توان نتیجه گرفت مفهوم بودن و مرتبط بودن ماده‌های این سیاهه واری به غیر از ماده‌های ۶ و ۱۰، متوسط یا بالاتر از آن ارزیابی شده‌اند. در مورد دو ماده اخیر، تغییرات لازم اعمال در نتیجه سیاهه واری از روایی صوری و محتوایی برخوردار گردید. در قسمت پرسش باز نیز از پاسخگویان خواسته شد چنانچه در نوشته‌های خود به دلیلی (دلایلی) غیر از دلایل ذکر شده، به استناد می‌پردازند، آنها را بیان کنند.

جامعه آماری

با توجه به هدف پژوهش حاضر، سیاهه‌های واری باید برای پاسخگویی در اختیار اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید چمران قرار می‌گرفت. بر اساس اطلاعات کسب شده از بانک اطلاعاتی دانشگاه شهید چمران، تعداد اعضای هیئت علمی ۱۱ دانشکده مستقر در

اهواز، ۴۴۷ نفر بود که بر اساس جدول کرجسی - مورگان، تعداد نمونه این پژوهش ۲۰۵ نفر محاسبه شد.

به منظور اطمینان از اینکه افراد نمونه پژوهش حاضر با پژوهش و تألیف به میزان قابل قبولی آشنایی دارند، بر اساس سیاهه خاصی انتخاب شدند. با استفاده از بانک اطلاعات دانشگاه شهید چمران، اسامی اعضای هیئت علمی هر دانشکده همراه با تعداد کارهای پژوهشی هر فرد (اعم از طرح پژوهشی، مقاله، کتاب و ...) مشخص و سیاهه‌ای از اسامی افراد بر اساس کارهای پژوهشی، به ترتیب از زیاد به کم، تهیه شد. سپس بر اساس نسبت جمعیت اعضای هیئت علمی، هر دانشکده به جمعیت کل اعضای هیئت علمی دانشگاه، تعداد افراد نمونه از هر دانشکده تعیین گردید (جدول شماره ۲). با استفاده از این اطلاعات، افراد نمونه به ترتیب از بالای سیاهه مذکور که بر اساس تعداد پژوهشها از زیاد به کم مرتب شده بود، در هر دانشکده تعیین شدند.

جدول ۲. تعداد افراد نمونه از هر دانشکده

ردیف	دانشکده	تعداد اعضای هیئت علمی هر دانشکده	نسبت اعضای هیئت علمی هر دانشکده به کل جمعیت اعضای هیئت علمی دانشگاه	تعداد افراد نمونه
۱	مهندسی علوم آب	۲۱	۴/۵	۹
۲	مهندسی	۴۹	۱۰/۵	۲۲
۳	کشاورزی	۵۷	۱۲/۵	۲۶
۴	علوم ریاضی و آمار	۳۱	۶/۸	۱۴
۵	علوم تربیتی و روانشناسی	۴۴	۹/۸	۲۰
۶	علوم	۷۶	۱۶/۸	۳۳
۷	دامپزشکی	۵۰	۱۱/۱	۲۳
۸	تربیت بدنی و علوم ورزشی	۲۰	۴/۳	۹
۹	الهیات و معارف اسلامی	۲۳	۵	۱۰
۱۰	اقتصاد و علوم اجتماعی	۳۹	۸/۶	۱۸
۱۱	ادبیات و علوم انسانی	۴۷	۱۰/۲	۲۱
۱۲	جمع	۴۴۷	۱۰۰	۲۰۵

روش آماری پژوهش

برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از آمار توصیفی همچون میانگین، انحراف استاندارد و درصد فراوانی و آمار استنباطی شامل آزمون تی و مجذور کای استفاده شده است.

محدودیت پژوهش

از آنجا که سیاهه‌های واری در اختیار اعضای هیئت علمی فعال در امر پژوهش قرار گرفت و بیشتر این افراد مشغله کاری فراوانی داشتند، درصد پاسخگویی به سیاهه‌های واری از مقدار مورد انتظار پایین تر بود.

جدول ۳. درصد بازگست سیاهه واری از هر دانشکده

ردیف	دانشکده	درصد بازگست سیاهه واری از هر دانشکده
۱	الهیات و معارف اسلامی	٪۱۸
۲	تربیت بدنی و علوم ورزشی	٪۲۰
۳	دامپزشکی	٪۲۰
۴	کشاورزی	٪۲۱/۴
۵	علوم ریاضی و آمار	٪۲۷
۶	علوم	٪۲۹
۷	مهندسی علوم آب	٪۳۰
۸	مهندسی	٪۴۱/۷
۹	علوم تربیتی و روانشناسی	٪۴۵/۴
۱۰	ادبیات و علوم انسانی	٪۵۲
۱۱	اقتصاد و علوم اجتماعی	٪۱۰۰

همان‌طور که مشاهده می‌شود، اعضای هیئت علمی دانشکده‌های «اقتصاد و علوم اجتماعی»، «ادبیات و علوم انسانی» و «علوم تربیتی» بیشترین و دانشکده‌های «الهیات و معارف اسلامی»، «تربیت بدنی و علوم ورزشی» و «دامپزشکی» کمترین میزان پاسخگویی را داشته‌اند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

از تعداد ۲۰۵ نفری که برای نمونه در نظر گرفته شده بودند، ۸۴ نفر (۴۱٪) سیاهه واری را تکمیل کردند. از آنجا که سیاهه واری در ۳ قسمت طراحی شده بود، تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز بر اساس همین ۳ قسمت صورت می‌گیرد.

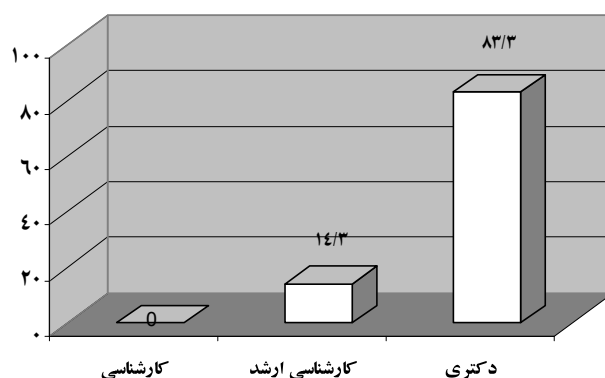
- مشخصات فردی پاسخگویان

از پاسخهای داده شده به قسمت جنسیت مشخص شد از میان پاسخگویان به این سیاهه واری، ۱۲ نفر (۱۴/۳٪) زن و ۷۲ نفر (۸۵/۷٪) مرد بودند. در قسمت دوم مشخصات فردی از پاسخگویان خواسته شده بود تا رشته تحصیلی خود را مشخص کنند، ولی از آنجا که تنوع و گستردگی این رشته‌ها بسیار است، اطلاعات این قسمت در قالب دانشکده‌ها گروه‌بندی و در جدول شماره ۳ بر اساس فراوانی هر دانشکده از کم به زیاد، نشان داده شده است. به علاوه، در این جدول مشخص شده است که چند درصد از جمعیت نمونه‌ای که برای هر دانشکده در نظر گرفته شده بود، به سیاهه واری پاسخ داده‌اند.

جدول ۴. درصد فراوانی پاسخگویان در هر دانشکده

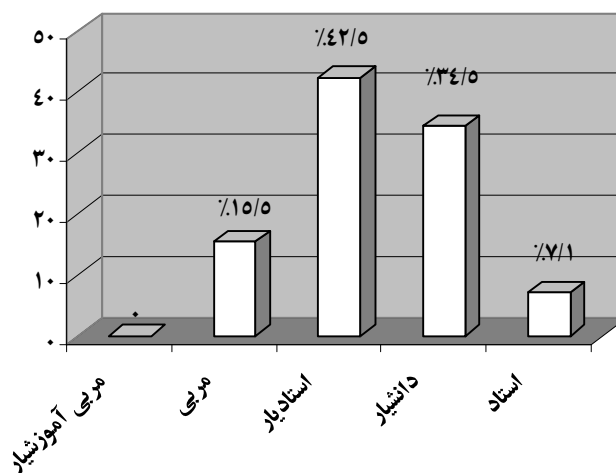
ردیف	دانشکده	درصد فراوانی
۱	تربیت بدنی و علوم ورزشی	۲/۴٪
۲	الهیات و معارف اسلامی	۲/۴٪
۳	مهندسی علوم آب	۳/۶٪
۴	علوم ریاضی و آمار	۴/۸٪
۵	دامپزشکی	۶٪
۶	کشاورزی	۷/۱٪
۷	مهندسی	۱۱/۹٪
۸	علوم تربیتی و روانشناسی	۱۱/۹٪
۹	علوم	۱۳/۱٪
۱۰	ادبیات و علوم انسانی	۱۴/۳٪
۱۱	اقتصاد و علوم اجتماعی	۲۲/۶٪

۷۲ نفر (۸۵/۷٪) از اعضای هیئت علمی پاسخگو، دارای مدرک دکتری و ۱۲ نفر (۱۴/۳٪) دارای مدرک کارشناسی ارشد می‌باشند (نمودار شماره ۱).



نمودار ۱. مقطع تحصیلی پاسخگویان

همان‌طور که از نمودار شماره ۲ مشخص است، مرتبه علمی بیشتر پاسخگویان (۴۲/۹٪)، استادیار و کمترین تعداد (۷/۱٪) مربوط به مرتبه استادی است.



نمودار ۲. مرتبه علمی پاسخگویان

سابقه آموزشی ۲۵٪ پاسخگویان (بیشترین تعداد) مربوط به رده‌های ۱۱-۱۵ و ۱۶-۲۰ سال و ۳/۶٪ (کمترین درصد) مربوط به سابقه آموزشی ۲۶-۳۰ سال است. جدول ۴، اطلاعات مربوط به دیگر رده‌ها را نیز نشان می‌دهد.

جدول ۵. سابقه آموزشی پاسخگویان

ردیف	سابقه آموزشی	فراوانی	درصد فراوانی
۱	۵-۱	۱۴	٪۱۶/۷
۲	۱۰-۶	۱۱	٪۱۳/۱
۳	۱۵-۱۱	۲۱	٪۲۵
۴	۲۰-۱۶	۲۱	٪۲۵
۵	۲۵-۲۱	۵	٪۶
۶	۳۰-۲۶	۳	٪۳/۶
۷	۳۰ به بالا	۹	٪۱۰/۷

در آخرین پرسش این قسمت، از اعضای هیئت علمی خواسته شده بود تا تعداد انتشارات خود را به تفکیک کتاب و مقاله بنویسند. جدول ۵، میانگین تعداد انتشارات را برای اعضای هیئت علمی هر دانشکده نشان می‌دهد.

جدول ۶. میانگین تعداد انتشارات هر یک از اعضای هیئت علمی هر دانشکده

ردیف	دانشکده	مقاله	کتاب
۱	ادبیات و علوم انسانی	۸/۸	۱/۶
۲	اقتصاد و علوم اجتماعی	۹/۳۱	۱/۳
۳	الهیات و معارف اسلامی	۱۶	۶/۵
۴	تربیت بدنی و علوم ورزشی	۱۱/۳	۱/۱
۵	دامپزشکی	۲۶/۸	۱/۶
۶	علوم	۸/۸	۰/۸
۷	علوم تربیتی و روانشناسی	۴۲/۳۳	۳/۶۷
۸	علوم ریاضی و آمار	۱۸/۳۳	۱
۹	کشاورزی	۱۶/۳۳	۳
۱۰	مهندسی	۹/۳۷	۰/۶۳
۱۱	مهندسی علوم آب	۶۵/۳۳	۳

- ماده‌های سیاهه واری

همان‌طور که قبلاً گفته شد، با استفاده از مقاله گارفیلد، ۱۵ موردی که در زمان استناد معمولاً به آنها توجه می‌شود، در سیاهه لحاظ و در مورد آنها با استفاده از یک طیف ۵ تایی لیکرت از اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید چمران نظرخواهی شد. جدول زیر، درصد فراوانی دو گزینه «کم» و «خیلی کم» و گزینه‌های «زیاد» و «خیلی زیاد» را روی هم رفته به ترتیب ماده‌ها نشان می‌دهد.

جدول ۷. درصد فراوانی دو گزینه «کم» و «خیلی کم» و گزینه‌های «زیاد» و «خیلی زیاد»

ردیف	ماده‌ها	درصد خیلی کم و کم	درصد خیلی زیاد و زیاد	رتبه
۱	ارائه منابع اطلاعاتی بیشتر برای مطالعه	٪۹/۶	٪۷۹/۸	۱
۲	معرفی روش شناسی، ابزار و ...	٪۶	٪۷۷/۴	۲
۳	شناساندن انتشاراتی که برای اولین بار ایده یا مفهومی در آنها مورد بحث قرار گرفته است	٪۸/۳	٪۷۷/۴	۳
۴	اثبات ادعاها	٪۱۳/۱	٪۷۶/۲	۴
۵	اعتباربخشی به داده‌ها و قسمتی از واقعیت - ثابتهای فیزیکی و ...	٪۹/۵	٪۶۶/۷	۵
۶	ذکر نام و تکریم پیشکسوتان	٪۱۹	٪۵۹/۵	۶
۷	اعتباربخشی به اثر مربوط (تکریم همکاران)	٪۱۱/۹	٪۵۷/۳	۷
۸	تصحیح نوشته خودتان	٪۱۹/۱	٪۵۷/۲	۸
۹	شناساندن اثری که برای اولین بار معرف مفهومی مبین نام عرضه کننده آن است (مانند بیماری هاجکینز، قانون پارتو، واکنش فریدل - کرافتس و ...)	٪۱۶/۵	٪۵۴/۷	۹
۱۰	بیان نوشته دیگران به منظور تصحیح آن	٪۳۵/۱	٪۴۱/۷	۱۰
۱۱	نقد اثر قبلی	٪۳۵/۷	٪۴۱/۶	۱۱
۱۲	هشدار به پژوهشگران، نسبت به اثری که در شرف انتشار است (که آنان نیز به هنگام استفاده از این اثر، استناد بدهند)	٪۴۵/۳	٪۲۶/۲	۱۲
۱۳	بررسی دعاوی حق تقدم دیگران	٪۵۰	٪۲۳/۸	۱۳
۱۴	شناساندن آثاری که به طور نامناسبی نمایه سازی شده، توزیع شده یا به آنها استناد نگشته است	٪۵۰	٪۲۲/۴	۱۴
۱۵	انکار اثر یا عقاید دیگران (ادعاهای انکاری)	٪۷۰/۲	٪۱۳/۱	۱۵

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در ماده‌های ۱ تا ۹ فراوانی دو گزینه «زیاد» و «خیلی زیاد»، بیش از ۵۰٪ است؛ بدین معنا که بیشتر از نیمی از پاسخگویان این موارد را در هنگام استناد در نوشته‌های خود و یا آموزش به دانشجویان خود در نظر دارند و این مسئله بیانگر اهمیت بالای این ماده‌ها از نظر اعضای هیئت علمی در هنگام استناد است. اگر چه در دیگر ماده‌ها درصد فراوانی دو گزینه آخر از ۵۰٪ کمتر است، اما در مورد ماده‌های ۱۰ و ۱۱ فراوانی دو گزینه «زیاد» و «خیلی زیاد» از دو گزینه «خیلی کم» و «کم» بیشتر است. این مسئله نشان می‌دهد اگر چه اهمیت این دو ماده به میزان ۹ ماده مذکور نیست، ولی برای بیشتر اعضای هیئت علمی، به میزان قابل توجهی حایز اهمیت بوده است. در ماده‌های ۱۲ تا ۱۵ فراوانی دو گزینه «خیلی کم» و «کم» بیشتر از دو گزینه «زیاد» و «خیلی زیاد» و غیر از ماده شماره ۱۲ حتی بیشتر و یا مساوی ۵۰٪ است که بیانگر توجه اندک به این ماده‌ها در هنگام استناد است.

- پرسش باز

پرسش باز در سیاهه واری به منظور بیان مطالبی در رابطه با دلایل دیگر استناد از سوی پاسخگویان لحاظ گردید و ۹ نفر از پاسخگویان به شرح زیر به آن پاسخ داده‌اند:

- یک استاد علوم تربیتی ذکر کرده که در استناد دادن، رعایت صحت و امانت در بهره‌گیری از افکار، آرا و یافته‌های دیگران بسیار اهمیت دارد.

• استادیاری از رشته دامپزشکی گفته است در مقاله‌های دامپزشکی، بیشتر همخوانی یا مطابقت نداشتن مقاله‌ها با کار حاضر مد نظر قرار می‌گیرد و در بقیه موارد نیز از مقاله‌ها به علت مشابهت در روش پژوهش و مرور پیشینه‌ها، استفاده می‌گردد.

• یک مربی در رشته مهندسی خاک‌شناسی معتقد است در تمامی آثار و مقاله‌ها، مجموعه‌ای از ماده‌های ذکر شده مورد توجه قرار می‌گیرد تا یک اثر قابل اعتماد و دارای اعتبار علمی استخراج شود.

• دانشجویی از رشته هیدرولوژی، شناساندن استادان و محققانی که بیشترین آثار چاپ شده (اعم از تصنیف، تألیف، ترجمه) را در کشور دارند، یکی دیگر از دلایل استناد برشمرده است.

• یک استادیار رشته علوم قرآن و حدیث، یکی از دلایل استناد را توصیف و تفهیم اصطلاحات و مباحث مطرح در رشته خود می‌داند.

• دو استادیار رشته اقتصاد به ترتیب معتقدند برای نشان دادن تراکم و حجم کار انجام شده در زمینه‌ای خاص و به منظور اعتبار بخشی به یک نظریه، ادعا و یا نتایج علمی از استناد استفاده می‌کنند.

• یک استاد ادبیات فرانسه، عینیت و اقتدار بخشیدن به کار تحقیق، صداقت و امانت را از جمله دلایل استناد می‌داند.

• یک استادیار رشته تاریخ در باب نوع منابعی که در رشته تاریخ مورد استناد قرار می‌گیرد، سخن گفته است. او معتقد است «در پژوهش‌های تاریخی، اولویت با منابع متقدم یا به عبارت دیگر منابع مربوط به حادثه یا نزدیک به حادثه تاریخی است که در پژوهش‌های تاریخی با عنوان «منبع» معروفند. اما به منابع تحقیقاتی جدیدی که به «پژوهش یا تألیف جدید» معروف است، کمتر استناد می‌شود. منابع و تحقیقات جدید با استناد به ماده ۴ این پرسشنامه، می‌تواند در شناسایی منابع متقدم کمک نمایند».

نکته قابل توجه در نظرهای ارائه شده، احساس دینی است که نسبت به متن اصلی در پژوهشگران وجود دارد. با وجود این احساس، می‌توان مطمئن بود به هر دلیلی که این گروه از پژوهشگران از یافته‌ها و دستاوردهای دیگران استفاده کنند، به آن استناد خواهند داد. توضیحات ارائه شده توسط برخی پاسخگویان نیز تفاوت کاربرد استناد را در رشته‌های مختلف نشان می‌دهد. ولی در کل می‌توان چنین برداشت کرد که بیشتر نظرها به نحوی بر اهمیت امر استناد تأکید دارد و دلایل متفاوت استفاده از آن را برشمرده‌اند. برخی از آنها مفهوم ماده‌های «اثبات ادعاها» و «ذکر نام و تکریم پیشکسوتان» را در برداشته و گروه دیگر دلایل عبارت بودند از: توصیف و تفهیم اصطلاحات، نشان دادن حجم کار انجام شده و اعتبار و اقتدار بخشیدن به تحقیق.

پاسخگویی به پرسشهای پژوهش

برای پاسخگویی به ۵ پرسش اول پژوهش، از آزمون تی و برای بقیه پرسشها از آزمون مجذور کای با در نظر گرفتن ضریب اطمینان ۹۵٪ استفاده شده است که البته پاسخ به ۳ پرسش اول پژوهش، یعنی:

۱. آیا بین مجموع نظرهای اعضای هیئت علمی در مورد دلایل استناد در دانشکده‌های مختلف، تفاوت معناداری وجود دارد؟

۲. آیا بین مجموع نظرهای اعضای هیئت علمی زن و مرد در مورد دلایل استناد، تفاوت معناداری وجود دارد؟

۳. آیا بین مجموع نظرهای اعضای هیئت علمی با مدارک تحصیلی مختلف در مورد دلایل استناد، تفاوت معناداری وجود دارد؟

به علت اینکه تعداد افراد در دانشکده‌ها (پرسش اول)، تعداد زنان (پرسش دوم) و تعداد افراد در مقطع کارشناسی ارشد (پرسش سوم) کمتر از ۳۰ نفر بود، امکان این مقایسه وجود نداشت^۱.

۴. آیا بین مجموع نظرات اعضای هیئت علمی در مرتبه‌های علمی مختلف در مورد دلایل استناد، تفاوت معناداری وجود دارد؟

به علت اینکه تعداد افراد در برخی مرتبه‌ها کمتر از ۳۰ نفر است، مرتبه‌های استادیار و پایین‌تر از آن با یکدیگر و مرتبه‌های بالاتر از آن نیز با هم ادغام شدند. بدین ترتیب، ۴۹ نفر در گروه اول و ۳۵ نفر در گروه دوم جای گرفتند. محاسبه مقدار ۰/۱۶ برای آزمون تی، بیانگر نبود تفاوت معنادار در نظرهای این دو گروه است؛ بدین معنا که تقریباً تمامی مرتبه‌های علمی در مورد دلایل و زمان استناد نظرهای مشابهی دارند.

۵. آیا بین مجموع نظرهای اعضای هیئت علمی با سوابق آموزشی مختلف، در مورد دلایل استناد تفاوت معناداری وجود دارد؟

باز به همان دلیل پیشین، ادغام ۳ گروه اول (از ۱۵ سال به پایین) با یکدیگر و ۴ گروه بعدی (۱۶ سال به بالا) انجام شد. بنابراین، جمعیت گروه اول ۴۶ و گروه دوم

۱. برای کسب نتیجه مناسب از آزمون تی، بهتر است تعداد افراد جامعه از ۳۰ نفر بیشتر شود.

۳۸ نفر به دست آمد. محاسبه مقدار ۰/۳۲ برای آزمون تی، بیانگر نبود تفاوت معنادار در نظرات این دو گروه است. بنابراین، تقریباً تشابه نظرها در بین اعضای هیئت علمی با سوابق آموزشی مختلف دیده می‌شود.

۶. آیا تفاوت معناداری بین دیدگاه‌های اعضای هیئت علمی زن و مرد در مورد هر یک از ماده‌های سیاهه واری و وجود دارد؟

با توجه به اینکه برای انجام آزمون مجذور کای نباید کمتر از ۲۰٪ خانه‌ها مقدار فراوانی مورد انتظار کمتر از ۵ و هیچ یک از خانه‌ها نباید فراوانی مورد انتظار کمتر از یک داشته باشند، برای پاسخ به این پرسش و دیگر پرسشهای این قسمت، ادغام گزینه‌های خیلی کم و کم، و خیلی زیاد و زیاد سیاهه واری با یکدیگر و تقسیم مساوی گزینه متوسط بر روی این دو قسمت انجام و طیف ۵ تایی به طیف ۲ تایی (کم و زیاد) تبدیل گشت. همان‌طور که جدول شماره ۸ نشان می‌دهد، هیچ تفاوت معناداری در نظرهای زنان و مردان در رابطه با هر یک از ماده‌های سیاهه واری وجود ندارد.

۷. آیا تفاوت معناداری بین دیدگاه‌های اعضای هیئت علمی در مقاطع مختلف تحصیلی در مورد هر یک از ماده‌های سیاهه واری وجود دارد؟
در مورد این پرسش نیز نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها بیانگر نبود تفاوتی معنادار در نظرات اعضای هیئت علمی است (جدول شماره ۸).

۸. آیا تفاوت معناداری بین دیدگاه‌های اعضای هیئت علمی دانشکده‌های مختلف در مورد هر یک از ماده‌های سیاهه واری وجود دارد؟

با وجود در نظر گرفتن طیف ۲ تایی برای این قسمت، به علت کم بودن جمعیت پاسخگویان هر دانشکده، تحلیل داده‌ها برای این پرسش امکان‌پذیر نبود.

۹. آیا تفاوت معناداری در دیدگاه‌های اعضای هیئت علمی در مرتبه‌های علمی مختلف در مورد هر یک از ماده‌های سیاهه واری وجود دارد؟

علاوه بر گزینه‌ها، مرتبه‌ها نیز همچون قبل ادغام شدند تا نتیجه مطمئن‌تر و بهتری کسب شود. نتایج محاسبات، بیانگر نبود تفاوتی معنادار در نظرات است (جدول شماره ۸).

۱۰. آیا تفاوت معناداری در دیدگاه‌های اعضای هیئت علمی با سوابق آموزشی مختلف، در مورد هر یک از ماده‌های سیاهه واری وجود دارد؟
سوابق آموزشی همچون قبل به دو گروه ۱۵ سال به پایین و ۱۶ سال به بالا تقسیم شدند. نتایج حاکی از نبود تفاوتی معنادار در مورد هر یک از ماده‌های سیاهه است (جدول شماره ۸).

جدول ۸. مقادیر مجذور کای هر ماده

ردیف	ماده‌ها	نسبت	مقطع تحصیلی	مرتبه علمی	سابقه آموزشی
۱	ذکر نام و تکریم پیشکسوتان	۰/۵۲	۰/۸۵	۰/۴۱	۰/۴۴
۲	اعتباربخشی به اثر مربوط (تکریم همکاران)	۰/۴۶	۰/۷۱	۰/۳۳	۰/۳۹
۳	معرفی روش شناسی، ابزار و ...	۰/۲۵	۰/۲۵	۰/۵۲	۰/۷۲
۴	ارائه منابع اطلاعاتی بیشتر برای مطالعه	۰/۲۵	۰/۲۵	۰/۲	۰/۳۲
۵	تصحیح نوشته خودتان	۰/۶۹	۰/۳۲	۰/۱۴	۰/۲۹
۶	بیان نوشته دیگران به منظور تصحیح آن	۰/۲۴	۰/۴۷	۰/۹۷	۰/۱۲
۷	نقد اثر قبلی	۰/۱۵	۰/۱۵	۰/۱	۰/۱۷
۸	اثبات ادعاها	۰/۹	۰/۹	۰/۳۱	۰/۴۸
۹	هشدار به پژوهشگران، نسبت به اثری که در شرف انتشار است (که آنان نیز به هنگام استفاده از این اثر، استناد بدهند)	۰/۸۳	۰/۳۳	۰/۴۸	۰/۴۲
۱۰	شناساندن آثاری که به طور نامناسبی نمایه سازی شده، توزیع شده یا به آنها استناد نگشته است	۰/۶	۰/۲۶	۰/۳۹	۰/۳۴
۱۱	اعتباربخشی به داده‌ها و قسمتی از واقعیت - ثابتهای فیزیکی و ...	۰/۲۹	۰/۷۷	۰/۳	۰/۴۲
۱۲	شناساندن انتشاراتی که برای اولین بار ایده یا مفهومی در آنها مورد بحث قرار گرفته است	۰/۰۶	۰/۹	۰/۱۱	۰/۴۹
۱۳	شناساندن اثری که برای اولین بار معرف مفهومی مبین نام عرضه کننده آن است (مانند بیماری هاجکینز، قانون پارتو، واکنش فریدل - کرافتس و غیره)	۰/۶۹	۰/۳۸	۰/۲۵	۰/۲۹
۱۴	انکار اثر یا عقاید دیگران (ادعاهای انکاری)	۰/۶۴	۰/۶۴	۰/۵	۰/۹۲
۱۵	بررسی دعوی حق تقدم دیگران	۰/۲۳	۰/۳۸	۰/۷۱	۰/۷۳

نتیجه‌گیری

با توجه به هدف پژوهش حاضر، «تعیین دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید چمران در مورد زمان استناد در تألیفات، گزارش‌های پژوهشی و تدریس دروس روش پژوهش به دانشجویان»، سیاهه واری با استفاده از مقاله گارفیلد (۱۹۹۶) در مورد زمان و دلایل استناد تهیه شد و در اختیار اعضای هیئت علمی فعال در زمینه پژوهش قرار گرفت. همان‌طور که مشاهده شد، بیشتر پاسخگویان به این سیاهه واری، مرد (۸۵/۷٪)، دارای مدرک دکتری (۸۵/۷٪)، مرتبه علمی استادیاری (۴۲/۹٪) و سپس دانشیاری (۳۴/۵٪)، و ۱۱-۲۰ سال سابقه آموزشی (۵۰٪) بودند. ولی وجود اعضای هیئت علمی فعال در امر پژوهش که از لحاظ مرتبه علمی و سابقه آموزشی در سطح پایین تری قرار داشتند، بیانگر آن است که هر چند مدرک، مرتبه علمی و سابقه آموزشی عاملهایی تأثیرگذار در امر پژوهش هستند، ولی شرط لازم نیستند. همچنان‌که در سیاهه تهیه شده از اعضای هیئت علمی هر دانشکده موارد بسیاری از افراد با مدارک، سابقه آموزشی و مرتبه علمی بالا دیده شد که از نظر فعالیت پژوهشی در سطح پایینی قرار داشتند.

با توجه به اینکه سیاهه‌های واری در اختیار فعال‌ترین افراد در امر پژوهش قرار گرفت، مشاهده مقدار میانگین مقاله‌ها و کتابها در بعضی دانشکده‌ها همچون علوم، مهندسی، ادبیات و علوم انسانی و ... پایین به نظر می‌رسد. شاید این‌طور استنباط شود که در رشته‌های عملی و کاربردی همچون مهندسی و علوم، بیشتر فعالیتها به صورت آزمایشگاهی و پروژه‌های مختلف انجام می‌شود و اعضای هیئت علمی این دانشکده‌ها ضرورتی برای نوشتن احساس نمی‌کنند و یا وقت آن را ندارند. ولی کسب بالاترین میانگین (۶۵/۳۳) مقاله برای هر عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی علوم آب (یک رشته عملی) و کمترین میانگین (۸/۸) مقاله برای رشته ادبیات و علوم انسانی، این استنباط را نقض می‌کند. نتایج این قسمت و قسمت پیشین، بیانگر آن هستند که پژوهش و تألیف امری خودانگیخته است و مدارج و مدارک بالا، دلیلی برای پژوهشگر بودن نیست، بلکه این انگیزه و توان علمی افراد است که آنان را به تألیف ترغیب می‌نماید.

در مورد داده‌های سیاهه واری نیز همان‌طور که مشاهده شد (جدول شماره ۷) از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید چمران، «ارائه منابع اطلاعاتی بیشتر برای مطالعه»، «معرفی روش‌شناسی، ابزار و غیره»، «شناساندن انتشاراتی که برای اولین بار ایده یا مفهومی در آنها مورد بحث قرار گرفته است» و «اثبات ادعاها» از مهمترین دلایل استناد در متون و تألیفات ارزیابی شدند، زیرا درصد فراوانی این ۴ ماده بسیار به یکدیگر نزدیک است، ولی ماده «اعتباربخشی به داده‌ها و قسمتی از واقعیت - ثابت‌های فیزیکی و ...» که در رتبه ۵ قرار دارد، با ماده ۴ دارای اختلافی در حدود ۱۰٪ در درصد فراوانی دو گزینه خیلی زیاد و زیاد است. علاوه بر این، برخی پاسخگویان نیز در قسمت پرسش باز، دلایل دیگری را که آنها را به استفاده از استناد در تألیفاتشان ملزم می‌نماید، بیان کردند که عبارت بود از: توصیف و تفهیم اصطلاحات، نشان دادن حجم کار انجام شده، و اعتبار و اقتدار بخشیدن به تحقیق.

انجام آزمونهای مختلف تی و مجذور کای، هیچ‌گونه تفاوت معناداری را در سطح اطمینان ۹۵٪ در نظرات پاسخگویان نشان نداد. این مسئله بیانگر آن است که پاسخها تقریباً از یکدستی برخوردار و از نظر اکثریت اعضای هیئت علمی، اولویت اهمیت هر ماده از سیاهه واری، تقریباً منطبق بر همان رتبه‌هایی است که در جدول شماره ۷ به آنها اختصاص یافته است.

پیشنهادها

- پیشنهاد می‌شود اعضای هیئت علمی در هنگام تدریس درسهای روش تحقیق، رساله، گزارش‌نویسی و ... به دانشجویان، بر روی مهمترین دلایل استناد که در این پژوهش به آنها اشاره شد بیشتر تأکید داشته باشند و در تألیفات خود نیز آنها را در نظر گیرند.

- همان‌طور که گفته شد، غیر از مقاله گارفیلد، در هیچ مقاله دیگری دلایل استناد بررسی نشده بود. بنابراین، پیشنهاد می‌شود علاوه بر ۱۵ دلیلی که گارفیلد برای استناد برشمرده است، دلایل «توصیف و تفهیم اصطلاحات»، «نشان دادن حجم کار انجام شده»، و

«اعتبار و اقتدار بخشیدن به تحقیق» نیز که از سوی برخی از اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید چمران ذکر شده، به عنوان دلایل استناد در نظر گرفته شوند.

منابع

- پریخ، مهربی و رحمت‌الله فتاحی (۱۳۸۴). راهنمای نگارش مرور نوشتارها و پیشینه پژوهش در حوزه علوم انسانی و اجتماعی. تهران: کتابدار.
- دیانی، محمدحسین (۱۳۸۲). گلوگاه‌های پژوهش در علوم اجتماعی. مشهد: کتابخانه رایانه‌ای، ۱۳۸۲.
- سلطانی، پوری و فروردین راستین (۱۳۷۹). دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی: فارسی - انگلیسی و انگلیسی - فارسی. تهران: فرهنگ معاصر.
- گارفیلد، یوجین (۱۳۷۶). چگونه استناد کنیم؟ ترجمه عبدالحسین فرج پهلوی. مجله علوم تربیتی و روانشناسی، دوره ۳، سال ۴، شماره‌های ۱ و ۲ (بهار و تابستان). ۱۲۷-۱۴۱.
- مهرداد، جعفر (۱۳۸۶). چرا ارزیابی؟ نظام استنادی علوم کشورهای اسلامی: بعدی تازه در نمایه‌سازی. سخنرانی در اولین همایش سراسری علم‌سنجی در علوم پزشکی. اصفهان، ۱۳۸۶/۱۲/۱۵.

- Garfield, Eugene (1996). When to Cite? *Library Quarterly*, 66(1), 419-458.

- Scharnhorst, Andrea & Thelwall, Mike (2005). Citation and Hyperlink Networks. *Current Science*, Vol. 98, Nos. 9 & 10 (November). 1518-1524.